

گفت و گوی بهرام رحمانی با آیدا سرکیسیان

بر گرفته از: کتاب «چنین گوید بامداد شاعر»

bamdadpress@swipnet.se

خانم آیدای عزیز، مرگ شاملوی بزرگ را به شما با همه‌ی وجود تسلیت می‌گوییم و اجازه می‌خواهیم بپرسیم که شاملو عشق را چه گونه معنی می‌کرد؟

عشق برایش جنبش و شور و حیات بود. آتش فشان شور زندگی‌ی عشق، به او نیرو و توان پرواز کردن و فتح قله‌های رفیع و غیرقابل دسترس را می‌داد. او را چشمه‌ئی می‌کرد که: «هر تار جان اش را به سرودی تازه می‌نواخت»

«من و تو یکی شوریم
از هر شعله‌ئی برتر،
که هیچ‌گاه شکست را بر ما چیره‌گی نیست
چرا که از عشق
روئینه تنیم.»

«کتاب رسالت ما محبت است و زیبائی‌ست
تا زهدان خاک
از تخمه‌ی کین
باز نبندد.»

ما شاملو را از شعرش می‌شناختیم، از ترجمه‌هایش و همه‌ی صداهایش؛ به راستی شاملو به عنوان یک انسان چگونه بود؟

پرشور، پرکار، خلاق، جسور و بی‌باک. کمال‌گرا. خوش سلیقه، همیشه آراسته، منظم و مرتب. دست و

دل باز، نظرباز، با وقار، با عطوفت و پرمهر و فروتن. سخت کوش. با گذشت.
گاهی سخت بی حوصله و عجول، گاهی متحمل تا مرز طاقت زده گی! وهنی که به انسان می رفت بر
نمی تابید و به کرامت آدمی در رشته ی بی انتهای معجزتی که اوست ایمان داشت.
همیشه بر خلاف جریان شنا می کرد، همیشه معترض بود. مبارزه را دوست داشت. همیشه در کارش
اهتمام جدی داشت.
بعد از همه ی این ها سخت تنها بود، هرگز نمی توانستی به کنه وجودش پی ببری.

«توان غمناک تحمل تنهائی

تنهائی

تنهائی

تنهائی ی عریان.»

و سکوت اش همه ی فریادها بود.

اگر می دیدیش دیگر ازش خلاصی نداشتی!

و چه خوشبختام من که چهل سال کنار این غول حیرت انگیز و زیر سایه اش زنده گی کردم و
شاکرم که این بخت یاری نصیبم گردید که با او بگیریم و با او بخندم.
در زمان و در مکان نمی گنجید.

ابعاد عظیم کار شاملو پیش روی ماست، اما سؤال این است که او چه گونه به این همه کار موفق
می شد، آیا شبانه روز برای او بیش از بیست و چهار ساعت بود؟

شبانه روزش بیست و چهار ساعت بود ولی همه ی دنیا باز هم برایش تنگ بود. استمرارش در کار،
پشت کار حیرت انگیزش که خسته گی نمی شناخت و فقط کار ارضاء اش می کرد. در آن واحد چند
کار دستش بود. ترجمه می کرد، ویرایش می کرد، روی کتاب کوچه کار می کرد، چند کتاب را که
این جا و آن جا باز بود می خواند و یادداشت بر می داشت. موسیقی هم گوش می کرد. به موسیقی ی
کلاسیک جهان عشق می ورزید و با تمام روح اش آن را می نوشید.
برای من در زنده گی فقط کار شاملو اهمیت داشت و هرگز برنامه ئی که او را از کارش باز بدارد

نداشتم، همه‌ی مسئولیت‌های زنده‌گی‌ی مشترک را پذیرفته بودم که با خیال راحت فقط به کارهایش بپردازد.

همه می‌دانند که نه تنها بخش بزرگ زندگی شاملو به صورت عام، که هم‌چنین فرهنگ بزرگ کوچه به صورت خاص مدیون حضور شماسست، کار عظیم فرهنگ کوچه چه‌گونه میسر شد؟ منابع‌اش چه بود؟ چه قدر کار طلبید؟

از اولین سال زندگی‌ی مشترک ما، می‌دانید که قبل از آن هم از سنین نوجوانی شاملو به گردآوری‌ی مواد کتاب کوچه می‌پرداخته منتها همین‌طور که در مقدمه‌ی کتاب کوچه نوشته دوبار همه‌ی آن از میان رفت. و برای بار سوم از نو شروع کرد. (برای گریز از تکرار می‌توانند به مقدمه‌ی کتاب کوچه مراجعه کنند). ۱

در طول نزدیک به چهل سال هر شنیده و خواننده‌ای را که به این کار مربوط می‌شد و می‌شود یادداشت می‌کردیم. (هر کلمه یا باور یا مثل یا دعا، نفرین، خواب‌گزاری، اصطلاح و ... که به زبان مردم جاری بود ولی آن را نه در مدرسه آموخته‌ایم نه در کتاب‌های آموزشی).

این کتاب آینده‌ی تمام نمای جامعه‌ای است که در این منطقه‌ی جغرافیائی زنده‌گی می‌کنند و طی قرون متمادی شکل گرفته و یک جریان زاینده و افزون شونده که هرگز نمی‌توانی بگوئی پایان یافته چون مدام در زبان محاوره ساخته می‌شود و یک نوع همبسته‌گی‌ی فرهنگی به وجود می‌آورد. گاهی ریشه‌ئی تاریخی دارد گاهی ریشه‌ئی مذهبی یا جغرافیائی.

کار سترگی‌ست و عشق و علاقه و دقت زیاد می‌طلبد.

شاملو در سال‌های گذشته اغلب چهل و هشت ساعت یا بیش‌تر بیدار می‌ماند و کار می‌کرد. کار نفس‌گیر. از هر منبعی استفاده می‌شود. مثل قصه، رمان، تاریخ، سرگذشت، سفرنامه یا فرهنگ‌ها و کتاب‌های تخصصی. مثلا ابزار و آلات را فرض کنید که هر شیئی اسمی من در آوردی می‌گیرد یا در معماری‌ی سنتی که دریائی است از اصطلاحاتی که مردم ساخته‌اند.

می‌دانیم و می‌دانید که مراسم به خاک‌سپاری‌ی شاملو، نه تنها در تاریخ ادبی ایران، که در تاریخ ادبی جهان نیز، تا جائی که ما می‌دانیم، حادثه‌ای استثنایی بود، آیا شما چنین حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردید؟ آیا خود او هرگز به چنین روز اندیشیده بود؟

هنوز به چنین روزی نیندیشیده بود.

مردم ما همیشه قدردان و فروتن اند و ارزش‌ها را پاس می‌دارند. و کسی را که تمام عمر برای فرهنگ این مرز و بوم از جان مایه گذاشت خوب می‌شناسند. شاملو آدم خوشبختی بود. چرا که سال‌ها بود که جایزه‌ی نوبل‌اش را از مردم خودش گرفته بود.

۱۳۷۹/۶/۲۹

سپتامبر ۲۰۰۰

۱- احمد شاملو در مقدمه‌ی کتاب کوچه (حرف آ)، از جمله چنین نوشته است: «فراهم آوردن این کتاب، دست تنها و یک تنه، کاری جنون‌آمیز بوده است؛ به خصوص که دو بار هم بخش عمده‌ی یادداشت‌ها و اوراق آن بی‌رحمانه نابود شد. کتاب کوچه «حرف آ» احمد شاملو، با همکاری آیدا سرکیسیان، انتشارت مازیار، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

بهرام رحمانی، در پیشگفتار این «یادنامه» ۲۷۰ صفحه‌ای می‌نویسد: «اما، در مورد «یادنامه» ای که به نام «چنین گوید بامداد شاعر» در دست دارید توضیح چند نکته را ضروری می‌بینم. این کار حاصل تلاش فشرده سه ماهه‌ای است که با همکاری برخی از شعرا و نویسندگان مترقی و صاحب‌نظران داخل و خارج کشور مقدور گردیده است. نویسندگانی که با گرایش‌های متفاوت به ابعاد فرهنگی و اجتماعی کار شاملو می‌پردازند. همین‌جا بگوییم که جای بسیاری از دست‌اندرکاران عرصه فرهنگی و هنری، در این‌جا خالی است.

«یادنامه» بخش‌های مختلف دارد. بخش اول: با شعر «در جدال با خاموشی»، آغاز می‌شود و در بر گیرنده گفت‌وگویی است با خانم آیدا، زندگی‌نامه، کتاب‌شناسی و... بخش دوم: مقالاتی است که برای این ویژه‌نامه نوشته شده است. بخش سوم: یادها و نکته‌هاست. بخش چهارم: سخن‌رانی‌هایی هستند که سخن‌رانان در مراسم‌های بزرگ‌داشت شاملو، در کشورهای مختلف و یا در مراسم خاک‌سپاری او، در ایران ایراد کرده‌اند. احتمال دارد که برخی از این سخن‌رانی‌ها در جایی چاپ شده باشند. اما، هیچ‌کدام از آن‌ها توسط همکاران ما، ضبط و پیاده نشده‌اند بلکه با درخواست ما، خود سخن‌رانان زحمت کشیده و سخنان خود را مستقیماً به صورت کتبی برای ما ارسال کرده‌اند. اگر، چنانچه احیاناً تفاوتی بین سخن‌رانی و مطلب چاپ شده وجود داشته باشد ناشی از تغییراتی است که توسط خود سخن‌رانان صورت گرفته است. بخش پنجم: سروده‌هایی هستند که به یاد احمد شاملو، سروده شده‌اند.

بخش ششم: آثار شاملو از لابلای کتاب‌ها نام دارد شامل مطالبی است که در زمان حیات خود شاعر، نوشته شده‌اند. بخش هفتم: به شعر در «آستانه» اختصاص دارد. بخش پایانی: لحظه‌ها و تصویرها، در بر گیرنده عکس‌هایی از لحظه‌های گوناگون زندگی او. این «یادنامه» را می‌توان جویباری دید که به سوی رود خروشان فرهنگی و اجتماعی، در جریان است.

بیست و سوم ژوئیه ۲۰۰۳ برابر با یکم مرداد ۱۳۸۲

بر گرفته از: کتاب «چنین گوید بامداد شاعر»، ویژه نامه نشریه بامداد، شماره ۱۰، به یاد احمد شاملو، به سردبیری بهرام رحمانی، انتشارات آرش، چاپ اول پاییز ۲۰۰۰

* احمد شاملو (ا. بامداد)، مبارز راه آزادی و شاعر مردمی ایران، صبح روز دوشنبه ۳ مرداد ۱۳۷۹ در سن ۷۵ سالگی چشم از جهان فرو بست.

علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را از انتشارات آرش (سوئد - استکهلم) با فاکس و شماره تلفن زیر سفارش دهند:

Tel _ Fax (00 46) 8 _ 29 41 50